

اختتامیه مهرواره ملی «محله همدل» با معرفی ۳ برگزیده نهایی برگزار شد

مهرورزی به سبک همدلی‌ها

♦ **فاطمه شهبانی** | از ماه مبارک رمضان امسال بود که نام جشنواره «مهرواره محله همدل» ورد زبان‌ها شد. مهرواره‌ای که خیلی‌ها را در گوشه و کنار کشور درگیر خودش کرده است. هر بار که خبری درباره آن خوانده‌ایم، دلمان از برکت وجود خیران سخت‌کوش در گوشه و کنار کشور سر ذوق آمده است. کسانی که تنها با معیار عشق پای کار آمده‌اند و کارشان با هیچ سنگ محک مادی قابل‌سنجش نیست. از میان چندین هزار شرکت‌کننده، ۱۴ نفر انتخاب شدند و طی ۷ تا ۸ روز تبلیغاتشان را کرده‌اند. همچنین برنامه‌هایی در شبکه‌های مختلف رسانه ملی داشته‌اند و بسیاری از مردم به کمک این برنامه‌ها، با آن‌ها و کارهایشان آشنا شده‌اند. برنامه‌هایی که شاید توانسته باشد جرقه‌های امید را در دل نیازمندان و جرقه‌های ایده‌های نورا در دل خیران شعله‌ور کرده باشد. طبق قرار در این مدت مردم رأی خودشان را به منتخب مورد نظرشان پیامک کرده‌اند و نهم مردادماه ۱۴۰۰، سالن سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی پذیرایی منتخبان و مهمانان برای اعلام رأی نهایی بود.

چراغ امید

همگی از راه دور آمده‌اند؛ با چهره‌هایی مصمم برای رفع مشکلات مردم محله‌شان. از راه طولانی خسته هستند، اما دلشان پر از امید و کوله‌بارشان پر از انرژی مثبت و دعاهای مستمندانی است که به مدد دست یاری آن‌ها از زمین بلند شده‌اند. چند نفری با خانواده‌هایشان آمدند و چند نفر هم به هر دلیلی که کرونا دلیل اصلی‌اش است، غایب‌اند. حاج آقا «مجید زرین» را همان ورودی سالن می‌بینم. احوالپرسی می‌کنم و آرزوی موفقیت. با همان لهجه آذری‌اش به خنده می‌گوید: «رقیبان خیلی قدرند، اما باز هر چی خدا خواهد همان می‌شود.» با شناختی که در این ۸-۹ روز از منتخبان مهرواره پیدا کرده‌ام، صمیمانه دلم می‌خواهد مهرواره به جای ۳ نفر ۱۴ برنده داشته باشد. چون به نظرم هر کدامشان یک گوشه از کار زمین مانده را در این سرزمین گرفته و بلند کرده و چراغی را در خانه و دلی روشن کرده‌اند. همگی هم دغدغه مردمی را دارند که چشم امیدشان به دستان پرتوان آن‌هاست.

همگی برنده‌اند

روی صورت همه ماسک است و به همین دلیل شناختن بعضی چهره‌ها کمی سخت شده است. تا جایی که تلفن همراه آنتن می‌دهد و همراهی می‌کند با چند نفر از منتخبان تماس می‌گیرم و نزدشان می‌روم و سلام و عرض ادب می‌کنم. اولین آن‌ها «اعظم محمدی» است که با همان صفای جنوبی‌اش با خنده از نخستین گام این راه می‌گوید؛ خرید ۲ الاغ ماده برای زنی که سرپرست خانوار بوده و این زن با فروش شیر و عنبرنسارا وضع زندگی‌اش روبه‌راه شده است. به‌ظاهر خنده‌دار است، اما کلی خلایق پشت این اقدام وجود دارد. بقیه دوستان هم همین‌طورند. «حسین اصغر روکی» با صدای آب آمده است؛ وقتی از آب شیر به دستان دخترکان روستا می‌ریزد و صدای شادی و خنده‌شان روستا را پر می‌کند. «ولی نادعلی زاده» از قائم‌شهر با همان سبزی روستا و گلخانه‌هایی که در خانه‌ها و زمین‌های کوچک بنا شده و وضع مردمان روستا را حسابی دگرگون کرده، آمده است. «مجید قنواتی»



کنند. «زهرا حسین زاده» با همان نجابت زنان کرمانی دغدغه کار و بار بچه‌های یتیم را دارد. حجت‌الاسلام «حسین کارگر» کاری کرده کارستان و تا توانسته از مسئولان مطالبه‌گری کرده است. حجت‌الاسلام «غلام‌عباس موسوی مقدم» هم کلی خلایق در اشتغال به کار مردم و نیازمندان دارد. حجت‌الاسلام «محمد تقی حسینی پور» هم با پیش‌قدم‌شدن برای آزادی ۱۲ زندانی غیرعمد دعای خیر بزرگی برای خودش خریده و «حمید توانسا» نیز این توانایی را داشته که از ظرفیت حاج «محمود کریمی» در جذب مشارکت‌ها استفاده کند. حاج «مجید زرین» از دیار غیور آذربایجان آمده و پشت سرش دعای خیر صدها خانواده است که رونق زندگی‌شان را مدیون او هستند. «فاطمه بیاتی» بانوی جوانی که خستگی ندارد و می‌گوید: «استراحت بماند بعد از شهادت!» «رضا آیت» بی‌مدعا که امیدآفرینی را سرلوحه کارهایش خودش کرده است و «سید مجتبی حسینی نسب» که با یک خلایق روستایشان دسته‌گل شده در این جمع حضور

یکی از دیار غیور
آذربایجان آمده و پشت
سرش دعای خیر صدها
خانواده است که رونق
زندگی‌شان را مدیون او
هستند

جوان خوش تیپ و پرانرژی از راه‌مزم و از دیاری آمده که مدتی قبل خبر خودکشی شاگرد مدرسه‌ای‌هایش - به دلیل نداشتن گوشی و تبلت - رسانه‌های معاند را خوشحال کرده بود، اما قنواتی و دوستانش با کاری جهادی توانستند دوباره امید را در دل این بچه‌ها زنده